



نصرت‌علی‌اوستوم

دادگاه عالی اتحادیه اروپا بر خلاف اسناد متعدد حقوق بشری که در آن آزادی پوشش به رسمیت شناخته شده است، حکمی صادر کرده که طبق آن زنان مسلمان نخواهند توانست با پوشش در محل کار حاضر شوند. در ایران اما قوانین ناظر بر حجاب با کم‌کاری دستگاه‌ها روبه‌رو است

مقایسه اجرای قوانین پوشش در ایران و دیگر کشورها

مهجوریت قانون حجاب و عفاف

در حالی که در کشورهای غربی به عنوان مدعیان حقوق بشر و آزادی، زنان مسلمان با حجاب اسلامی حق تحصیل و اشتغال ندارند در ایران با وجود قانون مصوب مجلس درباره حجاب، این قانون به سادگی زیر پا گذاشته می‌شود

روسری‌هایی که به جای روی سر دور گردن افتاده و ماتوهای جلوبازی که آستین‌های کوتاه‌شان خیلی وقت‌ها تا زده می‌شود تا بالاتر هم برود! این تصاویر را خیلی وقت‌ها در مکان‌های عمومی همچون اتوبوس، مترو یا سطح خیابان می‌بینیم. این در حالی است که عفاف در کشورمان در کنار ریشه‌های فرهنگی و تاریخی‌اش یک قانون است که بر اساس مطالبه اکثریت جامعه تدوین شده اما مانند بسیاری از قوانین نگاشته شده در حوزه فرهنگی شاهد اجرای آن نیستیم. اصلی‌ترین ترفند هم برای دور کردن این قانون از اجرا، آلوده کردن موضوع حجاب و عفاف با اغراض و اهداف سیاسی است

که این مسئله موجب شده تا موضوع اعتقادی، فرهنگی و تاریخی حجاب و عفاف در اجراء شدن لطمه ببیند. بگذریم از اینکه در مقاطع مختلف مسئولان اجرایی کشور همان قدر که به بحث فرهنگ‌سازی و افتخار نسل جوان در مسئله عفاف و حجاب بی‌توجه بوده‌اند، به بخش‌های سلبی و پر‌خورده‌های انتظامی و قانونی با قانون‌شکنان این عرصه هم توجهی نداشته‌اند. در مقابل شاهد هستیم که در کشورهایی که داشتن حجاب یا قوانین‌شان در تضاد است آنچنان به این مسئله پایبندند که حتی حضور یک دانش‌آموز، دانشجو یا کارمند محجبه را در محیط‌های کاری و تحصیلی نمی‌پذیرند.

توهین، تحقیر و حتی اخراج کارمندان و دانشجویان محجبه در اغلب کشورهای غربی به‌واسطه داشتن حجاب موضوعی است که هر از گاهی در کشورهای مدعی آزادی بیان و حقوق بشر اتفاق می‌افتد و حتی به‌رغم واکنش‌های منفی در سطح ملی و جهانی هیچ چیزی مانع اجرای قوانین این کشورها در ممنوعیت حجاب نمی‌شود! یکی از آخرین نمونه‌های چنین رفتاری اخراج دو زن مسلمان در آلمان به جرم داشتن حجاب است که در نهایت و با شکایت پیگیری این دو زن دادگاه عالی اتحادیه اروپا حکم داد کارفرمایان می‌توانند کارکنان زن مسلمان را از پوشیدن حجاب اسلامی منع کنند.

اسناد دادگاه نشان می‌دهد کارفرمایان به این دو زن گفته‌اند پوشیدن حجاب جایز نیست و اگر می‌خواهند کارشان را ادامه دهند باید بدون حجاب به محل کار بیایند. «دیوان دادگستری اروپا» که عالی‌ترین مرجع قضایی رسیدگی به مسائل مربوط به اتحادیه اروپا است باید میان دو گزاره حکم صادر می‌کرد: «با اقدام کارفرمایان مصداق نقض آزادی‌های مذهبی این دو کارپذیر بوده یا اینکه آنها بر حسب آزادی خود برای اداره کسب و کارشان، مجاز به تعلق همکاری با این دو کارپذیر بوده‌اند؟» پاسخ دیوان دادگستری این بود: «چنانچه کارفرمایان تشخیص دهند که منع حجاب برای «حفظ بی‌طرفی» در برابر مشتری‌ها لازم است مجاز به اعمال چنین ممنوعیت‌هایی هستند.»

در حکم این دادگاه آمده است: «ممنوعیت پوشیدن هر گونه لباس برای ابراز آشکار باورهای سیاسی، فلسفی یا مذهبی در محل کار، می‌تواند با توجه به نیاز کارفرما برای ارائه تصویری خنثی در برابر مشتری یا جلوگیری از شکل‌گیری مناقشه‌های اجتماعی موجه باشد.»

دیوان دادگستری اروپا با وجود این گفته کارفرمایان برای تصمیم‌گیری در خصوص این موارد باید بتوانند آن را به نیازی واقعی برای حفظ بی‌طرفی ربط دهند.

بسیاری از فعالان اجتماعی اروپایی اما این رای را نژادپرستانه دانسته‌اند. «شیانسته عزیز»، فعال مسائل مبارزه با نژادپرستی و حقوق زنان یکی از این افراد است. وی در گفت‌وگوسا روزنامه ایندپندنت رای دیوان دادگستری را در چارچوب مسائل گسترده‌تر در ارتباط با نژادپرستی و تبعیض‌های جنسیتی دسته‌بندی می‌کند.

وی می‌گوید: «غدغه‌های اروپا در خصوص لباس زنان مسلمان و به خصوص حجاب با اسلام‌هراسی، نژادپرستی و تبعیض‌های جنسیتی

در برابر این بی‌توجهی به قوانین مصوب در حوزه عفاف و حجاب اگر واکنش کشورهای غربی را به مسئله حجاب مورد واکاوی قرار دهیم متوجه خواهیم شد بر خلاف ایران که اغلب از بی‌قانونی در حوزه عفاف و حجاب به سادگی عبور می‌کند، دنیای غرب به هیچ روی حاضر نیست در این ماجرا کوتاه بیاید و زنان و دختران مسلمان و محجبه در کشورهای مدعی مهد تمدن، آزادی، دموکراسی و حقوق بشر حتی برای انتخاب پوشش خود آزاد نیستند و این مسئله هر از گاهی بازتاب‌های رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا می‌کند و نشان می‌دهد دنیای غرب از پوشش زنان مسلمان و فرهنگ و ارزش‌هایش که در ورای آن وجود دارد نگران است و شاید هم می‌ترسد.

ماجرای ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌های اروپا قهه تازه‌ای نیست. زنان مسلمان در دنیای غرب تنها در صورتی مجاز به کار یا تحصیل هستند که طبق قوانین این کشورها، بدون حجاب و پوشش اسلامی و نماد مذهب‌شان در اماکن عمومی، کاری و تحصیلی حاضر شوند. طی روزهای اخیر نیز حکم رسمی دادگاه عالی اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه کارفرمایان می‌توانند کارکنان زن مسلمان را از پوشیدن حجاب اسلامی منع کنند، حواشی فراوانی ایجاد کرد اما موجب عقب‌نشینی از این حکم نشد و در نهایت دو زن مسلمان را که در آلمان به‌واسطه حجابشان از کار اخراج شده و بابت این مسئله به دادگاه شکایت کرده بودند، به سر کار بازگرداند.

این ماجرا به شکایت دو زن مسلمان در آلمان بازمی‌گردد. این دو زن به دلیل پوشیدن حجاب اسلامی از کار اخراج شده و به دادگاه شکایت کردند. یکی از این زن‌ها، سرپرست کودکان دارای نیازهای ویژه در مرکزی در هامبورگ بود، زن دیگر، به عنوان حسابدار در یک داروخانه زنجیره‌ای فعالیت می‌کرد.

نوشتن از موضوع عفاف و حجاب کار ساده‌ای نیست! این مسئله به‌رغم ریشه در تاریخ و مذهب و باورهای مردم کشورمان و همچنین ریشه‌های روانشناختی در سال‌های پس از انقلاب با اهداف و اغراض سیاسی آلوده شده و بدحجابی به نمادی از نافرمانی مدنی تبدیل شده است. در این ماجرا اگرچه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های اپوزیسیون خارج‌نشین و نهادهای بین‌المللی برای تغییر ذائقه و سبک زندگی مردم کشورهایی همچون ایران تأثیرات بسزایی داشته است اما بخش اصلی ماجرا به کم‌کاری‌های داخلی بازمی‌گردد و اینکه قانون حجاب در کشورهای اروپا اگرچه سال‌ها پیش یعنی در سال ۸۴ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین و توسط مجلس تصویب شده اما هیچ‌یک از بخش‌های ایجابی و سلبی آن به درستی اجرا نشده است و همین مسئله موجب شده تا امروز شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی کشورمان در بخش حجاب و عفاف تعمیق شود. این در حالی است که اگر همه ۲۶ دستگاهی که در قانون عفاف و حجاب تکلیف دارند به وظایف خود عمل می‌کردند، امروز تنها چالش کشور بخش تحرکات خارجی در حوزه عفاف و حجاب بود و مسئله حجاب در کشورمان هر روز پررنگ‌تر نمی‌شد. زنان و دختران بدحجاب اکثریت جامعه ما نیستند اما نمای جامعه را با نوع پوشش و جلوه‌گری‌های‌شان در دست گرفته‌اند. زنان و دخترانی که برخی‌های‌شان حتی از سوی شبکه‌های زیرزمینی مد و فشن استخدام شده‌اند تا مدهای تازه‌ای را در بین زنان و دختران جامعه پاپ کنند و برخی دیگر کسانی هستند که از این نوع پوشش و آرایش الگوبرداری کرده‌اند و کم‌کاری دستگاه‌های فرهنگ‌ساز در سال‌های گذشته موجب شده تا الگوهای مد و زیبایی در ذهن‌شان با آنچه از سوی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌شود، قاب‌بندی شود و برای زیبایی و جلوه‌گری از ظاهر‌شان بهره بگیرند.

یادداشت



۲۶ دستگاه مقصر

قانون شکنی بدحجاب‌ها

محمد نیک‌ضمیر

اساس و پایه انقلاب اسلامی ایران بر احیای ارزش‌ها بنا نهاده شد و در سال‌های پس از انقلاب بدون آنکه نیازی به قوانین مصوب باشد اکثریت غالب جامعه خود را به رعایت حجاب و عفاف ملزم می‌دانستند. با وجود این تحولات بیرونی دشمنان انقلاب از یک سو و کم‌کاری‌های درونی و بی‌توجهی به فراهم ساختن زمینه‌های فرهنگی و افتخار افکار عمومی و به خصوص افتخار نسل‌های دوم و سوم و چهارم انقلاب موجب شده تا امروز و در حالی که قوانین و مصوبات متعددی در حوزه عفاف و حجاب داریم، در صد ناچیزی از اجرای این قوانین را شاهد باشیم و از ۲۶ دستگاهی که در مصوبه سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای زمینه‌سازی فرهنگی و حرکت‌های ایجابی در حوزه عفاف و حجاب تکلیف دارند، تنها یکی دو دستگاه مانند نیروی انتظامی تا حدودی به تکالیف‌شان در قانون حجاب و عفاف عمل کنند.

اگر بخواهیم مسیر قوانین حوزه عفاف و حجاب را در دوران پس از انقلاب مسود بازخوانی قرار دهیم، به همان سال‌های ابتدای انقلاب می‌رسیم. ۱۵ اسفند سال ۵۷ با وجودی که تنها چند ماه از انقلاب گذشته بود حال و هوای انقلابی در بین مردم در حد اکثر خودش وجود داشت. برخی از زنان در ادارات حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کردند و این مسئله با تذکر امام خمینی همراه بود و معمار انقلاب در خصوص لزوم رعایت حجاب و عفاف فرمودند: «وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند. زن‌ها بروند؛ اما باحجاب باشند. مانعی ندارد

بروند کار بکنند، لکن باحجاب شرعی باشند.» پس از آن کارمندان ادارات دولتی موظف به رعایت حجاب شدند و هر چند قانونی برای حجاب و عفاف نوشته نشده بود اما رعایت حجاب اسلامی به امری عمومی تبدیل شد و سال ۱۳۶۰، در بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازسازی نیروی انسانی مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت، بی‌حجابی به عنوان تخلف شناخته شد و اماکن و فروشگاه‌ها و مراکز عمومی موظف شدند به افراد فاقد حجاب اسلامی خدمات ارائه نکنند و در تابلوهی این موضوع را به همگان اطلاع‌رسانی نمایند. همچنان که هنوز هم در اماکن عمومی و رستوران‌ها تابلوی «با پذیرش خان‌های بدحجاب معذوریم» دیده می‌شود.

سال ۱۳۶۲ نیز در ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات برای زنان بی‌حجاب مجازات تعیین شد. در این ماده آمده است: «زانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بی‌حجابی را جرم دانسته و برای آن مجازات هم در نظر گرفته است. این ماده قانونی می‌گوید: «هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر، نظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر حبس، کفیل، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جرحه‌دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

اما حتی سرای مؤثر بودن مجازات ابتدا باید زمینه‌های ارتکاب به جرم را از بین ببرد و برای مسائل فرهنگی و باورهای ارزشی همچون عفاف و حجاب لازم است تا پدر باورهای دینی از همان دوران کودکی در ضمیر افراد کاشته شود و این کار زیربنایی با آموزش مستمر و پاسخ به شبهات همراه باشد تا بتواند با افتخار جوانان و نوجوانان آنان را در مسیر درست قرار دهد. بدین منظور نیازمند یک کار سازمان‌یافته فرهنگی هستیم و همه دستگاه‌ها به خصوص دستگاه‌های تربیتی همچون آموزش و پرورش و آموزش عالی و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرداری‌ها، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، پای کار بیایند. در چنین شرایطی است که با تمام این زمینه‌سازی‌های فرهنگی و فراهم‌سازی زیرساخت‌های فکری و ارزشی در صورت تخلف از قانون حجاب و عفاف می‌توان با منتقلان بر‌خورد انتظامی داشت و این بر‌خورد‌ها در جامعه و در پیشگیری از تکرار چنین جرائمی مؤثر واقع می‌شود. اما اگر بخواهیم مصفانه قضات کنیم تنها زنان و دختران بدحجاب نیستند که این‌بی‌قانونی نمادی از بی‌توجهی ۲۶ دستگاه به وظایف‌شان در امور ایجابی مرتبط با فرهنگ‌سازی، افتخار جامعه به ویژه نسل جوان در مسئله حجاب و از همه مهم‌تر مقابله با تحولات بیرونی بر ضد حجاب و عفاف است که این مهم می‌تواند از مسیر پاسخ به شبهات و تقویت باورهای دینی و استفاده بهینه از ارزش‌های دینی رخ دهد.

نظر کارشناس

افرادى که در جمهوری اسلامی زندگى می‌کنند باید قوانین کشور را رعایت کنند



سردار حسین رحیمی
رئیس پلیس تهران بزرگ

را به خطر بیندازند. در عین حال باید توجه داشت که ۹۰ درصد از اقدامات پلیس امروز ایجابی و تنها ۱۰ درصد آن از نوع اقدامات سلبی است. که این ۱۰ درصد هم برای مقابله و از بین بردن فسادهای زیرپوستی و پنهان است. وظیفه ناچا نظارت بر اجرای قوانین در تمامی حوزه‌هاست. در حوزه امنیت اخلاقی نیز برخورد‌های ارشادی، دوستانه، آموزشی و ایجابی بر برخورد‌های قهری و سلبی مقدم است و رویکرد مانیز همین است. برخی می‌خواهند با هوچی‌گری قانون را زیر پا بگذارند و ما را مرعوب کنند اما ما قانون را با جدیت اجرا و پای آن ایستادگی می‌کنیم چراکه زنان عقیف در جامعه ما کم نیستند و در مقاطع مختلفی همچون راهپیمایی اربعین تجلی حضور گسترده آنان را می‌بینیم.

پیش‌نیاز اجرای قانون عفاف و حجاب فرهنگ‌سازی و اصلاح ساختارهاست



اکرم کریمی
کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

قانون حجاب و عفاف و پوشش بر گرفته از آیات و حدود الهی در کتاب آسمانی مسلمانان است اما برای اینکه قانونی اجرایی شود به اصلاح زیرساخت‌ها و فرهنگ‌سازی نیاز دارد و مردم توجه شوند که چرا این قانون به نفع آنهاست و باید اجرا شود. در اجرای قوانین حجاب و عفاف جامعه حکومت اسلامی باید بستر اجرای این قانون را فراهم کند و در محیط‌های مختلف آموزشی، شغلی و عمومی شرایط لازم برای حضور یک زن با پوشش اسلامی فراهم شده باشد. در جامعه اسلامی زنان و دختران جوان ما باید شرایطی را داشته باشند تا علائق خود را با رعایت حدود الهی دنبال کنند. به طور مثال پارک‌ها و زمین‌های ورزشی مختص بانوان باید در همه نقاط شهر پراکنده باشند. اما بخش فرهنگ‌سازی قانون عفاف و حجاب در کشور ما اتفاق نیفتاد و ما وارد بخش اجرایی این قانون شدیم و این مسئله موجب شده تا امروز در جامعه شاهد شکاف در این حوزه باشیم. اما در قرآن در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور در رابطه با حجاب دستور مستقیم داریم و هم برای زنان و هم